

فرقه های قبل از اسلام در آسیای میانه (آسیای مرکزی)

قسمیکه در فصول قبلی اشاره شد، آئین مانی در میان ترکان کوچی، اهالی بومی، شهرنشینان آسیای میانه، همکذا در میان سغدی ها و ترکها عمومیت کلی داشت و هر سه آئین بزرگ بودائی، زردشتی و عیسویت به ارزش های معنوی آئین مانی اهمیت و احترام یکسان قایل بودند. از جانبی مانیزم نیز با موقعیت (قرارگرفتن) در فضای جدید ایجادشده با سغدی ها و ترکها به روحیه باروری، روحیه احترام به نیاکان پرداخته خود را با روحیه محلی عیار نمود.

[Беленицкий 1954: 42, 68, 70, 79, 80].

دقیقا فاکتور سینکریتیسم عقاید مختلفه در قالب یک سیستم فلسفی - مذهبی در تفاوت با زردشتیان ارتودوکس متعصب، منحیت عامل اساسی تحمل پذیری سغدی ها و بالخصوص ترکها پنداشته میشد. (82)

اظهارات جغرافیا دانان عرب تبار در باره مذاهب باشندگان ماورالنهر الی اشراف (مشرف شدن) شان به دین مقدس اسلام خیلی ها دلچسپ مینماید؛ زیرا با اتکا به نظریات آنها میتوان این مسله را به نقد و بررسی گرفت. مثلا در نوشته های الاستخری وابن هیکل گفته شده است که:

" هنگام فرمانروائی فارس ها، مرزهای ایران شهر یا الفارس ثابت و معین بود، اما بپذیرش دین اسلام سرزمینهای جدید که متعلق به ساسانیها و یا سرزمینهای الصين (السین)، الروم و الهند بود تصاحب و به ایران شهر مدغم گردید. چنانچه تنها از کشور الصين سرزمینهای ماورالنهر تصاحب گردید".

به ادامه گفته شده است: "کلیه کشور های ترک نشین (سرزمینهای ترکان)، بخشهایی از تبت و کلیه کسانیکه از بت پیروی مینمایند شامل کشور الصين (السین) شمرده میشوند".

[al-Istakhri: 4; Ibn Haukal: 9].

از معلومات فوق میتوان درک کرد که :

اولا- الی استیلا عربها ماورالنهر من حیث یکی از کشورهای ترکی محسوب شده و متعلق به الصين (السین) بوده است.
ثانیا- باشندگان این سرزمین دقیقا از آئینی پیروی مینمودند که ترکان و تبتی هاز ان پیروی مینمودند.

در کتیبه های یادبودی تنیو کوک Tonyukuk حکمدار سغد بنام Tinsi oyly یعنی "پسر- پسر آسمان" یعنی پسر امپراطور چین گفته شده است.

[Кляшторный 1960: 133 – 135].

لازم به یادآوریست که Tengrism تنگریزم بمثابة یکی از کهن ترین ادیان جهان من حیث آئین اولیه کلیه ترکان شمرده میشود. متعاقبا آئین های نوینی از قبیل بودائی، زردشتی و عیسوی در میان قبایل ترکی آسیای میانه گسترش یافت. در حالیکه مانیزم در قرون وسطی من حیث گسترده ترین آئین عصر شمرده میشد. به قول تمیم ابن بهار (قرن نهم) عده ای از ترکان شهرنشین کشور توغوز-غوز (احتمالا توقوز اوغوز) آتش پرستان زردشتی (عبدة النیران علی مذهب المجوس) وعده دیگری زندقی ها zindīq (الزندقه) یعنی مانیها بودند. اما اکثریت پایتخت نشینان کشور همانا، زندقیها بودند.

[Minorsky 1947: 279].

بنا به قول گردیزی خاقان توقوز غوز ها- دیناوری ها (الدیناوری) یعنی مانیها بودند اما، عیسوی ها، بودائی ها و دوالیست ها (دوگانه گرا) نیز از جمله متعلقات (متصرفات) آنها شمرده میشد. گفته شده است که همه روزه حدود 300 الی 400 نفر دیناوری بدور قصر خاقان مذکور تجمع نموده با آواز بلند اشعار و مقاله های متعلق به مانیهای سرودند، متعاقبا داخل قصر گردیده، با ادای احترام به او، دوباره به منازل شان برمیگشتند. میتوان گفت که عقاید و نظریات سائر باشندگان آسیای میانه یعنی- سغدی ها، باختری ها و خوارزمی ها نیز بدین طرز افاده میگردد. مثلا ترکها و سغدی ها از آئین واحدی پیروی نموده دارای عبادتگاه مشترک و واحدی بودند. ایشان کلیه مراسم مذهبی، من جمله مراسم تدفین و خاکسپاری را نیز

بصورت یک نواخت انجام میدادند. اما بنا به تاکیدات منابع چینی باشندگان سمرقند از خدای آسمان پرستش بعمل آورده به آن عبادت مینمودند.

[Бартольд 1973: 52 – 53]. [Бичурин II: 296].

بنابه قول Bay-shek and Sui-shu در کلیه متصرفات خاقانات از بحیره غرب (بحیره کسپین) تامشرق زمین به "روح دیشی spirit desh" که بشکل مجسمه کوچک طلائی به اندازه 15 فت و ارتفاع متناسب به آن تجسم یافته بود عبادت مینمودند. علاوه گردیده است که بت مذکور در آیده ایکه درقسمت شمالشرقی شهر Cao ساو (ایشتیهان) واقع سمرقند کنونی، درحومه شهر یودی Jade جایجا گردیده بود گفتنی است که متولیان بمنظور اجرای مناسک مذهبی از اطراف و اکناف شهر به آیده "روح دیشی" تشریف می آوردند. ازجانبی همه روزه به تعداد 5 راس شتر 10 راس اسپ و 10 راس گوسفند بمنظور ادای قربانی بد آنجا آورده میشد. مواردی وجود دارد که تعدادقربانی کنند گان گاها از چندین هزار تجاوز مینمود، ایشان (آدمها، آدمهای موجود) حتی به صرف قربانی قادر نمیگردیدند.

[Бичурин II: 275, 287, 313].

پروسه قربانی نشان میدهد که در میان تماشاگران تعدادکثیری از ترکان نیز حضور داشته اند؛ زیرا، در عصر قرون وسطائی فقط این ترکان بودند که از گوشت اسپ استفاده میکردند.

علاوه باید نمود که "روح دیشی" با عبادت ستاره تشری "سیروس" بمثابه مظهر "خدای آب باران" که ذریعه ابرها از بحیره کسپین به ارمغان آورده میشد (منتقل میشد) تصور میگردد. لازم به یاد اوریست که مطلب فوق در سال 726 توسط Hui Chao (hui zhao) نیز تصدیق گردیده است. چنانچه به گفته او، باشندگان کانا (سمرقند) و سائر شهرهای سولی (سغد) به "خدای آسمانی آتش" عبادت نمود، به آسمان قربانی مینمودند.

[Негматов 1957: 81]. [Бернштам 1952: 193; Литвинский, Зеймаль 1971:

123].

در آثار الفخری که در باره مذاهب گوناگون نوشته شده است بر علاوه آفتاب پرستان (عبدة الشمس) و مهتاب پرستان (عبدة القمر) از کسانی که به زهل و زهره و سیروس (شباهنگ) عبادت مینمایند نیز یاد آوری شده است.

[ال-فاخری: 43].

در منابع چینی از موجودیت بنائی در اقامتگاه زمامدار سمرقند جائیکه، در وسط آن تاج و تخت گذاشته شده بود سخن رانده شده است. بنابه گفته منبع مذکور در ششمین روز ماه اول، کوزه طلائی مملو از خاکستر که از سوزانیدن استخوان والدین حاکم بدست آمده است در آن گذاشته میشود، متعاقبا متولیان دورادور تاج و تخت با نثار (پاشیدن) برگهای گل‌های عطراگین به گردش می پردازند. به همین ترتیب در شهر، آبدۀ اجداد قرار دارد که مطابق عنعنۀ در ششمین روز ماه اول به آن قربانی می آورند.

[Бичурин II: 98].

در اوائل قرن وسطی سوزانیدن استخوان مردگان در میان ترکان عمومیت داشت. گفته میشود که در سرزمین کانا (سمرقند) آبدۀ ای وجود داشت که در آن قواعد و اصول مربوط به ترکان نگهداری میشد. در صورت انجام جرایم توسط شخصی و یا گروهی بمنظور تثبیت مجازات مجرم از آن استفاده میگردد. چنانچه محل مذکور در منابع سغدی بنام " محل مقررات، جایگاه اصول" نامیده شده است. از معلومات فوق میتوان خلاصه نمود که در قرن هشتم مقررات مربوط به عقد و نکاح دقیقا مقررات ترکی بوده است.

هكذا در کتاب سوی شو: Sui- shu در باره سغدی ها گفته شده است :
" مراسم عقد و نکاح و خاک سپاری سغدی ها با توک یوکسک ها (ترکها) یکسان اند".

[Бичурин II: 281]. [СДГМ II: 38] [Бичурин II: 281].

بنا به تاکید بعضی از منابع، در زمان قبل از اسلام کلیه مناطق مربوط به ماورالنهر متعلق به کشورالسنین (الصین) بود، و شهر سمرقند منحصرا شهر اساسی یا شهر بزرگ شان شمردۀ میشد. اما بعد از اسلام باشندگان الصین که اکثریت شانرا مانی

ها تشکیل میدادند به مرکز کشور شان منتقل گردیدند، اما، درین شهر (سمرقند) تنها آثارشانرا بجا گذاشتند که از جمله میتوان از تولید کاغذ باکیفیت درین شهر نامبرد. این نکته را نباید مغالطه نمود که هدف از بیان کلمه "باشندگان الصين" نه در برگیرنده چینی ها، بل در قدم نخست ترکان بودند. اما البیرونی درباره با صراحت بیشتری میگوید:

"کشور الصين علاوه بر خودکشور الصين (کاشغر) دربرگیرنده مناطقی ازقبیل تبت، ختن، کشور های حومه بلخ و ترکهای همجوار ان میباشد".

[Marvazi: 6; ал-Марвази: 47]. [am-Табару: 11 – 16].

[Бируни 1966: 155].

نام کنونی ترکستان شرقی یا Sin Chiang مانند (بلاذالصین) عربی افاده کننده نام کهن کشور "سین" یا "چن" میباشد. اما، نام اوستروشان که بیانگر یکی از خدایان (اوسروشانه) میباشد احتمالا از واژه سانسیکریتی Suturšan مشتق شده باشد. در یکی از دستنویس های بودائی که با الفبا اویغوری نوشته شده است از شهری بنام ستورسن Sutrasan که مشتق شده از کلمه سانسیکریتی sudaršana است یاد اوری شده است.

تذکر باید داد که در تنگه های اوستروشان نام حکمرانان برمینی زبان سانسیکریتی ایتیمولوژی (ریشه یابی) شده است که این مسئله به نوبه خود ثابت کننده بودائی بودن آنهاست. مثلا نام ستارچی (Stcry) با نام صدا چار sadachar سانسیکریتی که به معنی "آموزگار، معلم" ترجمه شده است هم ریشه میباشد.

[Map of the North Western Frontier of India].

[Грицина 2000: 38] [ДТС: 515]. [Смирнова 1981: 32 – 35].

اطلاعاتی وجود دارد مبنی بر اینکه در میان خرابه های شهر قبا(واقع فرغانه) آبدۀ بودائی کشف گردیده است، آبدۀ ایکه که تا قرون VII – VIII فعالیت داشت. درسالون بزرگ آبدۀ متذکره هیکل بزرگ بودا قرار داشت که دارای ویژگی های ظاهری (شکل روی و موی و سر) ترکان بود.

[Булатова-Левина 1961: 241].

در منابع عربی، مانی ها (مانوی ها) مانند پیروان آئین المقنع بنامهای السابی (سیبیها)، الدیناوری و زندقیها و اما اعضای جامعه مانوی، بنام ناگوشک nagoshak نامیده شده اند.

حوالی سال های 600 در میان مانی ها انشعابی بمیان آمد، در نتیجه آنها به دو بخش شرقی و غربی منقسم گردیدند. گفته شده است که، مانی های غربی مرکزیت شانرا شهر بابل و مانی های شرقی مرکز شانرا شهر سمرقند برگزیدند. علاوه گردیده است که مانی های غربی، مانی های شرقی را به داشتن "روابط" با حکمرانان و اجرای بی قید و شرط اوامر آنها متهم مینمود.

[Бируни 1957: 211 – 212; Бартольд 1973: 52, 53; Minorsky 1947: 279].

[Hudud al-‘Alam: 113]. [Flügel 1862: 66].

ازجانبی قدامت تباری فرد سغدی به اسم منی آه Maniah که در سال 568 مسولیت سفارت ترکان را در قسطنطنیه به عهده داشت، به مانی های قرون وسطائی فارس Mani-a Xajos یعنی (مانی خدای ابحار) میرسد.

[Зуев 2002: 189].

در سال 719 از Tu-holo از طرف حکمران چی-خان-نه Cho Han-na (چغانیان) بنام تی-چو Ti-chö که ملقب به "Mo čžo- بزرگ" بود سفیری به کشور چین فرستاده شد. گفته میشود که تی-چو Ti-chö یا همان "Mo čžo بزرگ" (حکمران چغانیان) شخص نهایت عاقل، دانا و توانمند در علوم آستروولوژی (ستاره شناسی) بود.

حکمران چغانیان یا همان Ti-chö یا Te-ša که بشکل عربی شده آن بنام Tish al-A'var. (یعنی کج) مسمی گردیده است منحیث زمامدار چغانیان شناخته میشود که امطلب مذکور در آثار الطبری که در رابطه به وقایع سال 86 هجری مطابق به 705 م نوشته شده بود نیز یادآوری گردیده است.

[Chavannes 1903: 156 – 157; Шефep 1981: 581]. [at-Tabarī II: 1180].

تصور میگردد که موصوف همزمان یابگو عالی تخارستان نیز بوده است. نیاز به توضیح دارد که نام حکمران مذکور اشتقاق یافته از واژه باختری tiš باشد که به

معنی ستاره سیروس ترجمه گردیده است.

هکذا نام Mo-čžo برگرفته شده از واژه mōčak (mwčk) سغدی است که بمعنی "معلم، آموزگار" مورد استعمال داشته و در اثر مناسبات فرهنگی و غیره به زبان چینی منتقل و بمعنی "پسر معنوی کلیسا مانی" مورد استعمال پیدا نموده است. [Беленицкий 1954: 45; Литвинский, Зеймаль 1971: 121].

این نکته را بخاطر باید داشت که مانپها اعتقادات مذهبی شان را در کشور های اسلامی به ندرت علنی مینمودند. مثلاً در زمان فرمانروائی خلیفه المقتدر (بین سالهای 295-320 هجری مطابق به 908-932 م) به تعداد 500 تن از مانی های عراقی از آنکشور فرار و در شهر سمرقند مسکن گزین شدند. [Бартольд 1963a: 218]. [Hudud al-'Alam: 113].

نکته قابل توجه اینست، زمانیکه سامانیان میخواستند مرکز متذکره را از مانی ها تصاحب نمایند (از طریق جبر و فشار) "مورد حمایت و پشتیبانی حکمرانان الصین" واقع نگردیدند. حکمران توقوز- اوغوزها آنها را (سامانیان را) تهدید و تاکید داشتند که در صورت مبادرت به این کار مورد تعقیب اهالی مسلمان کشور قرار خواهند گرفت. زیرا؛ در قرن دهم سمرقند منحیث یگانه شهری در آسیای میانه شمرده میشد که صومعه های مانی فعالیت علنی داشت و خود مانی ها نیز از آزار واذیت آشکارمبرا بودند. بناء چنین به نظر میرسد که در میان گروه نه چندان بزرگ جامعه مانی سمرقند نمایندگان توقوز- اوغوزها نیز حضورداشته اند.

[Ibn al-Nadīm II: 803 – 805]. [Бартольд 1963a: 219, 244 – 245].

چان- چو Chang Chunگ زائر چینی قرن 8، شهر سیون سیگان-Xun Sygan یا سمرقند را بهترین شهر هوی- هی Hoi-Hey یا ترکستان اویغوری میشمارد. حسب منابع گرجی، اویغورستان در برگیرنده سرزمینهای پهناوری بود که تا حوالی شهر سمرقند امتداد داشت.

[Сию цзи: 230]. [Михалева 1961: 58].

سوآن سزان Xuan Zang در کتاب خاطرات اش از کثرت "زیارتگاه خدایان" پیروان

"هرطقه ها" یاد آوری مینماید. اصطلاح مذکور شکل چینی شده واژه "دیناور" یا نام مانی های آسیای میانه و ولایات شرقی است. توجه باید داشت که رنگ سفید بمثابة رنگ ویژه و ممیزه تفکیکی مانیها شمرده میشد، بنابر همین سبب مانیها عمدتاً لباس سفید به تن میکر دند. تصور میگردد که "افراد سفید پوش، یا سفید پوشان" که تحت رهبری "مقنع ها، المقنع" علیه عربها به قیام برخاستند همانا مانیها بودند. چنانچه بعد از اندکی در چین نیز قیامهای مشابه مردمی تحت رهبری مانی ها که بنام "لباس سفیدها، جامه سفیدها" مسمی میشد آغاز گردید.

[Беленицкий 1954: 44]. [Беленицкий 1954: 47].

افزود برآن، الافشین حیدر Haidar al-Afshin یکی از نوادگان قبل از اسلام سلاله اوستروشان اجداد خود را "الدین الابيض" یعنی "مذهب سفید، مذهب سفیدان" نامیده است. یعنی دقیقاً شبیه نهضت مقنع ها (المقنع) و "سفید پوشان" که از جمله مانی ها شمرده میشدند.

[at-Tabarī III: 1311 – 1312; Ibn al-Athīr VI: 351 – 352, 358 – 359],

[Herzfeld 1948: 138; Frye 1954: 147, n. 264].

ازجانبی برهانیستهای آلتای نیز از موجودیت "افراد جامه سفید" یعنی مانیها که به سرزمین آلتای آمده اهالی را به وحدانیت خداوند ترغیب مینمود سخن گفته اند. [Зыев 2002: 186].

متذکر باید شد که بت پرستی یا پرستش بت بمثابة یکی از ویژگی های اصلی مانیزم شمرده میشد. پیروان مانیزم بت های انسان نما را سمبول و مظهر نورالهی – هکذا آفتاب ومهتاب را منحیث مرجع (ایستگاه) نهائی تقرب به نور بهشت می پنداشتند.

گفته میشود که بت پرستی منحیث نخستین شکل کتبی مذهب (رسمیت یابی) در محدوده سغد، منجمله بخارا شمرده میشود. بر مبنی گواهی منابع قبل از مغول، مسجد جامع شهر سمرقند که در قسمت غربی ارک موقعیت دارد بجای یکی از معابد بودائی اعمار گردیده بود.

[Бируни 1963: 479]. [Кандия: 150].

در پیمان نامه منعقدۀ میان قطیبۀ ابن مسلم (یکی از سرلشکران نظامی عرب) با اهالی سمرقند ماده ای (فقره ای) مبنی بر "تسلیمدهی خانه های بت و آتش" بنظر میرسد. گفته میشود زمانیکه ابن قطیبۀ به فتح کامل سمرقند موفق گردید حسب توافق صلح، تعدادی از بت ها را به حضورش آوردند. قطیبۀ امر فرمود تا کلیه جواهرات و اشیاء قیمتی مجسمه ها برداشته شده، خو دانها (بتها) در محلی حریق گردد. علاوه گردیده است که فقط از بقایای بت های محروقه مقدار 50 هزار مثقال طلا و نقره بدست آمد.

هكذا در قریه Tavavis بخارا، جائیکه سرلشکر قطیبۀ ابن مسلم مستقر (جابجا) گردیده بود، "معبد آلهه و آتش" وجود داشت.

[al-Beladsorī: 424]. [at-Tabarī II: 1246]. [at-Tabarī II: 1230].

این نکته را علاوه باید نمود که بتهای مورد پرستش سغدی ها همه و همه انتروپو مولوژی گردیدند (انسان انگاری شده، انسان نماشده)، یعنی به آنها چهره و شمایل انسانی داده شده بود.

[Зыев 2002: 195].

بنابه قول نرشخی، اهالی بخارا بت پرست بودند. اما در بخارا قبل از اسلام بازاری وجود داشت بنام "بازار- ماه (ماخ)"، بازاریکه در آن در سال دوبار مسله خرید و فروش بتها راه اندازی میگردد.

گفته شده است که بازار مذکور توسط "ماخ" (بزبان سغدی بشکل m'x ، بمعنی "ماه") حکمران شهر بنیان گذاری شده از شهرت و اعتبار خوبی در میان بخارائیان برخوردار بوده است. علاوه گردیده است که بنابر همین سبب حکمران مزکور در روز های بازار به محل (بازار) تشریف آورده، جریان داد و ستد را به نظاره گرفته خریداران را به گسترش تبادلات تجاری مورد ترغیب قرار میداد.

[Наруахуй: 26 – 27].

گفته میشود که بتها بر علاوه مناطق فوق در آبدۀ هائی از قبیل بایکند، ورخش، سمرقند، اوستروشان، پنجکنت و سائر محلات نیز گذاشته شده بود (وجود داشت). حکایتی وجود دارد مبنی بر اینکه، زمانیکه ابن قطیبۀ به فتح بایکند دست یازید،

دریکی از بت خانه های آن شهر بت نقره ای بدست آورد که در آنهنگام به ارزش 400 درهم قیمت گذاری گردید.

[*Наршахуй: 45*].

الجیش(الخنش) ابن سبل حکمران ختلان از نزد عربها فراروبه کشور الصين پناه آورد، در حالیکه برادر، تعدادی از دهاقین وبت های متعلق به آنها کماکان در فرغانه باقی گذاشته شده بود. درسال 121 هجری مطابق به 738-739 م نصر ابن سیار آنها را به اوسترشان برگردانید(بازگشت داد) و بتهای شانرا در معبده ها گذاشت، معبده ایکه بعد از استیلا عربها به مسجد مبدل گشت.

[*at-Tabarī II: 1694*].

الافشین و امام مع الدین که منحث مجری یا(انتقال دهندگان) بتها شمرده میشدند هر کدام به یک- یک هزار ضرب شلاق مجازات شدند. گفته شده است که در پروسه محاکماتی الافشین حیدر که در شهر بغداد برگزارو بجرم عدول از اسلام متهم گردیده بود عملکرد خودرا در رابطه به این فضیه توضیح داد. اوعلاوه نمود که در میان آنها و مالکان سغد (شایدحکمران سغد باشد، اما درمتن مالک گفته شده است.س) قراردادی (پیمانی) مبنی برحق انتخاب آزاد عقاید مذهبی وجود داشته است. بناء معلومات فوق حکایه گرانست که در عقاید مذهبی اهالی سغد، اوستروشان و ختلان تشابهت ها و نزدیکی ها فراوانی وجود داشته است. لازم به یادآوریست که در آن هنگام بت های طلائی، از زمره اشیا قیمتی شمرده میشد که الجهم ابن زهرام(ظهram) سرکرده عرب تبارهنگام تصرف ولایت البوتم انرابدست آورد.

[*at-Tabarī III: 1310 – 1312; Смирнова 1969: 70 – 72*]. [*al-Beladsorī: 425*].

در آثار الفخری که پیرامون مذاهب نوشته شده، گفته شده است که بت پرستان (عبدة الاصنام) به بتهای ساختگی(بتهای تراشیده شده)، به گاوهای نروگاوهای ماده عبادت مینمودندو افراد قبیله نوح از زمره اولین بت پرستان شمرده میشوند.

[*ал-Фахри: 43*].

حسب معلومات اتنوگرافیکی در زمانهای قدیم در تنگه فن دریای Fandarya در

قسمت علیای زرافشان در ناحیه سردوان آبدۀ بودائی وجود داشت. هکذا در یکی از صخره های شیب دار، در نزدیکی قریه تکفان Takfon غاری وجود داشت که اکثرا بت پرستان در آن تجمع نموده به عبادت می پرداختند.

[Негматов 1957: 74].

بنابه قول النسفی en Nasafi در مراحل قبل از اسلام، در موقعیت مسجد جامع شهر سمرقند، آبدۀ بودائی قرار داشته است، جائیکه اهالی شهر جهت انجام عبادات مذهبی بدانجا تشریف می آوردند. گفته شده است که بت طلسم شده در یکی از برج های آن جابجا (نصب) گردیده بود که منحیث بت اصلی (بزرگ) شمرده میشد، زیرا؛ تعداد کثیری از بت پرستان اطراف و اکناف شهر و شهر های همجوار جهت ادای مراسم مذهبی (پرستش) به آنجا حضور بهم میرساندند. گفتی است زمانیکه چشم زائر و یا عبادت کننده از راه دور به بت بر میخورد آنا به زمین افتاده به سجده می رفتند، اما هنگام برگشت (خروج) تا زمانی به عقب میرفتند (رو به بت و حرکت به عقب) تا بت از دید شان غایب میگردید (درینجا هدف از همان فاصله ایست که بت پرست آنقدر به فاصله زیاد به عقب میرفت که بت دیده نمیشد (از دید غایب میشد)).

در زمان عربها (زمانیکه شهر سمرقند توسط آنها فتح شد) در دوران زمامداری خلیفه عثمان ابن افانه تعدادی از بت ها شکسته، تعدادی هم سر به پائین گذاشته شد و آبدۀ بودائی به مسجد جامع مبدل گشت.

جمال القشیری خاطرنشان مینماید که اوغولجگ قادرخان Uguldzhak Qadeer Khan که عم یا کاکای ساتوک بوگره خان Satuq Bogra Khan پنداشته میشد، آبدۀ نه چندان بزرگی اعمار نمود. ضمنا گفته شده است که بت ها حتی در میان وسائل مراسم تدفین کوچیان، و در زیارتگاه های شهر فرغانه نیز بمشاهده رسیده است.

[Кандия: 250]. [ал-Карши: 103].

[Брыкина 1987: 52 – 58; Брыкина 1971: 447 – 449].

هکذا، از بت ها منحیث سنگ ها و هیكل های سر قبری ترکان قدیم نیز استفاده میگردید. قبرستان بیت تپه (VII – VIII) واقع سورخان دریا اوزبکیستان که متعلق

به ساکنان غیر بومی منطقه بود(احتمالاً پیرو ان آئین مانوی بودند)مراسم خاک سپاری بشکل تدفین (اینگومیشن) به پیشبرده میشد.

[Ртвеладзе 1986: 208].

دریکی از سکلیپ های(محلّیکه برای دفن مردگان درنظر گرفته شده است. س) قبرستان مذکور سر(کله، حجمه) بت گلی با ویژگی های شماتیک چهره(روی) کشف گردید. در ارتفاعات آق تپه(VI – VII)نزدیکی جرقورغان(سورخان دریا) باز هم سر(کله) بزرگ بت با ساختمان کره وی، با موهای بافته شده (چوتی) و پیوندی بدست آمد. هکذا در بلندی های آک تپهAktobe(آق تپه) اوترار(جمبول کنونی) واقع 10 کیلومتری شرق قریه چیان Chayan بت کوچکی به اندازه 15 سانتی متر که از گل (لای) و گچ تهیه گردیده بود بدست آمد.

[Ртвеладзе 1989: 68 – 69]. [Байпаков, Подушкин 1989: 78 – 79].

به همین ترتیب در بلندی های افراسیاب، تنگه هائی حاوی تصویرزمامدار ترک تبار صلیب در دست کشف گردید که دقیقاً بیانگر تعلّیت مذهبی او به عیسویت بود. هکذا صلیب های یکسان(مساوی الاندازه) در تنگه های قبل از اسلام زمامداران بلخ، خوارزم، اوستروشان، پنج کنت، اوترار و سائر شهرهای آسیای میانه بدست آمده است

[Ртвеладзе, Таиходжаев 1973: 232 – 234]. [Мусакаева 1994: 43].

بنظرما(مولف) مشکل است تا این همه علائم و نشانه های بدست آمده را سمبول آئین عیسوی دانست زیرا؛ عیسویت در آن زمان در آسیای میانه از آن گستردگی لازم برخوردار نبود. از جانبی عیسویت فاقد استاتوس رسمی آنچنانی بود که میتوانست سمبول های مذهبی شان را در تنگه های مذکور ضرب زند. در بلندی های ترمیز قدیم بناء متعلق به قرون XII – X حاوی نقاشی های دیواری کشف گردید، که حاوی تصاویر مربع شکل، چوکات منحنی، صلیب و خطوط دایره وی وسطی بود. گفتنی است که سمبول متذکره بمثابه سمبول عیسویت و ساختمان کشف شده بمثابه کلیسا عیسویان ارزیابی گردید (پذیرفته شد).

[Альбаум 1994: 34].

درفوند موزیم تاریخ اوزبیکستان ظروف شیشه ای متعلق به قرون IX – XI ، که حاوی تصویری از صلیب که در بین الماس جاسازی گردیده است محافظت میگردد. در وسط صلیب خط های فرعی بشکل دایره وی ترسیم گردیده است. لازم به یاد آوریست که سمبول مذکور من حیث سمبول آئین عیسوی ارزیابی شده است.

[Mусакаева 1994: 48].

اما سمبول هائی از قبیل (صلیب، اشکال مربع شکل و یا الماس حاوی دایره و خطوط کوچک فرعی در وسط) در آئین بودائی نیز دیده شده است، جائیکه اشکال هندسی مانند (مربع، دایره، مثلث (اشکال هندسی سه ضلعی) متوازی الاضلاع، Hexagram، صلیب، پانتاگرام یا ستاره پنج ضلعی و غیره) عبارت از ماندالهای مختلف بودائیست، که میتوان بمتابه گونه هائی از سمبولهای بودائی و مانوی دانست.

گفتنی است که الافشین آخرین عضو سلاله افشین های اوسترشان نیز دارای اعتقادات بت پرستی بود. اما، در قصر او واقع ناحیه المطیر سممری (حومه بغداد) علاوه بر بت های پوشانیده شده با سنگهای قیمتی، تار های طلائی، و گوشواره مروارید، کتاب "مقدس موگی" book of mages های ، (یعنی کتاب آتش پرستان) Zaravah یا Birch sap نیز وجود داشت که با انواع مختلف طلا و سنگهای قیمتی پوشانیده شده بود. هکذا در قصر دوم الافشین واقع الوزیریه نیز بت های مختلف دیده شده است. گفته میشود که او شخصیت خود را به رخ کشیده و با سوابق اش در اوسترشان مباحات مینمود. او میخواست تا به اوبا القاب و نظر "خدای-خدایان" نگریسته شود.

[at-Tabarī III: 1310 – 1312, 318; Ibn al-Athīr VI: 366, 369; Смирнова 1969: 70 – 72].

در قرون VI – VII در ارتفاعات قلعه قهقهه II واقع شهرستان در میان تزئینات و کندنکاری های چوبی ساختمانهای حکمرانان اوسترشان تصاویر نخل چهاربرگه و صلیب های متساوی الاضلاع کشف گردید. درینجا کشتی

کیرامیک(سفالی) حاوی تصویر ماهی های در حال شنا که از جمله سمبول های اصلی آئین بودائی محسوب میگردد نیز بدست آمده است. قابل یاد اوریست که تصاویر صلیب در تنگه های حکمرانان قبل از اسلام اوستروشان نیز بمشاهده رسیده است که این مسئله میتواند منحنیث اقدام سیاسی افشین- بودائی های وابسته به ترکان عیسوی تعریف گردد.

[Негматов, Хмельницкий 1966: таб. IV, VIIa, IXб]. [Негматов, Хмельницкий 1966: таб. XVIII, рис. 16], [Иваницкий 1994: 65 – 66].

اما، در بعضی از تنگه های متعلق به اوستروشان در کنار پارتریت حکمدار، تصاویر فیل ها و صلیب های عیسوی نیز باهم به تصویر کشیده شده اند. گفته میشود که، فیل در آئین بودائی بمثابه سمبول حکمت و خرد شمرده میشود، اما درینجا تصویر فیل جزئی از اجزای صلیب عیسوی بوده است. گفتنی است که همچو ترکیب میتواند فقط و فقط در چوکات آئین مانوی وجودداشته باشد جائیکه ارزش های مذاهب بودائی، زردشتی و عیسوی مورد احترام یکسان قراردارند.

[Смирнова 1971: 59 – 61].

متناسب به آن لازم است تا موجودیت تصاویر صلیب در تنگه های حکمرانان قبل از اسلام آسیای میانه منحنیث سمبول آئین مانوی ارزیابی گردد، زیرا سمبول مذکور در آن هنگام حقیقتا هم در میان سغدی ها هم در میان باختری ها و بالاخص در میان ترکان عمومیت کلی داشت. هکذا نقاشی های یادگاری- دیواری یکی دیگر از ممیزه های ویژه آئین مانوی شمرده میشود. در حالیکه رسامی بالای مواد، بالای فلزات مختلفه و رسامی رنگه در اوراق کتب از یادگارها و خصوصیات بارز کلی انها محسوب میگردد. روی همین علت است که شخص مانی(رهبر مذهبی آئین مانوی) اساس گذار آئین مانوی، طی دوره های متمادی منحنیث نقاش و رسام چیره دست بحساب می امد.

[Зуев 2002: 184, 192].

فردوسی در اثر ماندگارش "شهنامه" از او بنام "پیامبربی مانند" (بی نظیر) هنر و هنرمند" یاد میکند. "ارژنگ" نام یکی از معروف ترین آثار "مانی" است که در رابطه به تعلیمات کیهانی اش ایجاد و با میناتوری های متعدد تزئین گردیده است.

[*Всеобщая история: 153*].

در افسانه های متعلق به مانی گفته شده است که او این هنر را در ایام جوانی هنگام اقامت در آسیای میانه و هندوستان آموخت. گفته میشود که در آئین مانی پیکرنگاری (ترسیم چهره های معبود مانند ترسیم ایکونها) به هر شکل و شمایل ان پذیرفتنی نیست. موجودیت سوژه های مختلفه، رسامی های دیواری در آبدیه پنجکنت این نظریه را تقویه نمود تا گفته شود که آبدیه مذکور متعلق به مانی ها و آئین مانوی بوده است.

[*Беленицкий 1954: 47 – 48, 64, 66 – 68, 81*].

گفتنی است که نقاشی ها و رسامی های گوناگون موجود، ارایش کننده و تزئین دهنده دیوارها و قسمت های داخلی آبدات مختلفه بودائی بوده است. چنانچه آبدیه دلبرجن یا دلبرجین Dilberjin تخارستان در قرون V – IV، صومعه بودائی اجینه تپه Ajina-Tepa واقع وادی و خش طی قرون VI – VIII، ویا حصار توپراق قلعه Toprak Kala واقع خوارزم در قرن III، قصر ایخشیدیه در ارتفاعات افراسیاب واقع سمرقند طی قرون VI – VIII، قصر بخار- خودات ها واقع ورخش خوارزم طی قرون VI – VIII، قصر افشین های اوستروشان واقع شهرستان طی قرون VI – VIII، قصر حکمرانان کافر قلعه واقع وادی و خش طی قرون VI – VIII، ، باله لیک تپه طی قرون VI – V، Tavka توکه طی قرون VII – VIII، و قلعه کافرنهان طی قرون VI – VII و غیره از جمله همین آبدیه ها شمرده میشوند.

[*Rahmonov 2001: 122*].

گفته شده است که تصویر شیر بمثابة یکی از سمبول های آئین مانوی هم در مسائل مربوط به دیکور اسیون، هم در دیزاین قرون وسطی، هکذا در مسائل مهندسی ختلان عمومیت دارد.

[*Гулямова 1987: 127 – 134*], [*Зуев 2002: 188, 192 – 193, 203*].

قابل یادآوریست که مجسمه های عالی و زیبا، نقاشی های خیلی قشنگ و براقی وجود دارد که در سطوح اشیا فلزی، ظروف سفالی، پیاله های نقره ای، ظروف مختلفه، کوزه های رنگارنگ، پیاله ها، استودانها، به تصویر کشیده شده است. گفتنی است که اشیا مذکور طی قرون VI – VIII در آسیای میانه تولید گردیده است.

[Пугаченкова, Ремпель 1965: илл. 120 – 134].

علاوه بایستی نمود که قبلا نظریه ای مبنی برتعلقیت احتمالی آبدۀ پنجکنت به مانوی ها وجود داشت، اما، بعدا طراح نظریه مذکور متمایل بود تااز تاکید بالای نظریه اش (نظریه قبلی اش) انصراف ورزد، مگر با اتکا بر معلومات اضافی بدست آمده از سلامتی آبدۀ اش مطمئن و به آن توقف نمود.

[Беленицкий 1954: 47 – 48, 60, 63, 66 – 68, 81].

درسامی های بازمانده در آبدۀ پنجکنت، تصویر خدای 4 سر دیده میشود که تاج بزرگ نورافگن بر سر دارد. گفته شده است که تصویر مذکور متعلق به چهارک اول قرن VIII می باشد. تصور میگردد که قیافه مذکور مظهر خدای آب طغیانی رود زرافشان و کثرت دستان (داشتن 4 دست) قبل از همه دلیل اختر ستایشی (ستاره پرستی) سبی ها باشد.

[Беленицкий 1954: 34, 35, 69, 70; 1973: 45, таб. 1 и 2].

در پنجکنت تصاویر دیواری خدای زن بدست آمده است که در یک دست آفتاب و در دست دیگرش مهتاب قرار دارد. در رسامی ها و مجسمه های پنجکنت سمبول هائی به تصویر کشیده است که مظهرنمادین شخصیت های آسمانی – یعنی مظهر کلیه سیارات منظومه شمسی شناخته شده تا آن دم (تا آن هنگام) بوده است.

گفتنی است که پرسوناژ اساسی رسامی های پنجکنت همانا شخصیت نمادین خدای آفتاب و مهتاب و موجودیت تمثال (قیافه) خانم نشسته بالای شیر تجسم سیاره زهره می باشد. گفته شده است که یکی دیگر از داستان های به تصویر کشیده در نقاشی های دیواری پنجکنت، صحنه ای از عزاداری مردگان است. تصور

میگردد که درینجا مراسم خاک سپاری مرحوم و یا مرحومه ای به تصویر کشیده شده است که در عنعنات جسد سوزی (سوزانیدن جسد) مردگان ترکان معمول بوده است.

[Беленицкий 1973: 43, 44, 56]. [Беленицкий 1954: 32, 74, 75, 81, 82; 1973: 45].

گفتنی است که این صحنه می توانست بیانگر لحظه ای از مراسم تدفین یک ترک اصیل (نجیب زاده) و یاهم چکین چور بیلگه Chakyn Chur Bilgi حکمران پنجکنت باشد، حکمرانیکه الی فرمانروائی دیواشتیچ Devashtich در سال 708 بمدت 15 سال زمام امور را درست داشت.

در منابع آرشیفی سوی شو چینی Sui-shu گفته شده است که مراسم عقد نکاح و مراسم خاک سپاری باشندگان سولی (سغد یان) با توکیو Tukyū یعنی ترکان یکسان میباشد. در محدوده دولت کان Kang (سمرقند) آبدۀ ای وجود داشت که در آن مقررات (کود، رمز) ترکان محافظت میگردد، گفتنی است که از کود مذکور در حالات معین بمنظور تثبیت مجازات و حل و فصل مسائل لاینحل استفاده میگردد، که اصول مذکور در منابع سغدی بنام "محل مقررات" نامیده شده است. از توضیحات فوق میتوان خلاصه کرد که مقررات مرتبط به مسائل عقد نکاح و غیره (قرن هشتم) از آن ترکان بوده است.

[Бичурин II: 281]. [СДГМ II: 38]. [Беленицкий 1973: 44 – 45].

گفتنی است که سوژه مذکور تشابهت نزدیکی با عنعنات باشندگان ایش (تاشکند) دارد، موضوعی که در منبع Bay-shek, Sui-shu چینی قید گردیده است. چنانچه در قسمتی از آن آمده است:

"در روز ششم ماه اول و در روز پانزدهم ماه هفتم ظرف طلائی حاوی خاکستر اجساد (خاکستریکه از سوزانیدن اجساد والدین حکمدار بوجود آمده است) والدین حکمدار بالای تخت مذکور گذاشته میشود. متعاقبا آنها در اطراف (گرداگرد) تخت با پاشیدن برگه های گل های عطراگین و میوه های مختلف النوع به گردش می پردازند.

[Бичурин II: 282].

در یادگارهای دیواری پنجکنت تصاویر فیل ها نیز بمشاهده رسیده است، چنانچه در یکی از سرطاقی های مجموعه XXV هیکل کوچک بودا بشکل abhyyamudra بمشاهده رسید.

[Беленицкий 1973: таб. 5],

[Маршак, Распопова 1988: 142 – 143].

قابل یادآوریست که در دیکور (ترئینات) دیوارها، جنبه های استفاده از سبزه ها به وفرت بنظر میرسد، چنانچه دیوارها با غنچه گل‌های رنگارنگ و خوشه های انگور مزین گردیده، گویا کهکشان مارپیچی را به تصویر کشیده است. هکذا در یکی دو اطاق آبدۀ پنجکنت، خدای رنگ آبی (رنگ آمیزی شده به رنگ آبی) در حال رقص دیده میشود. گفته میشود که پرسوناژ مذکور گویا برگرفته شده از تمثال خدای شیوا هندی تصویر نگاری شده باشد.

[Беленицкий 1973: таб. 59 – 65, 69]. [Беленицкий 1973: 46].

در نمای ظاهری آبدۀ پنجکنت و رسامی های دیواری آن تصاویر صلیب های متساوی الاضلاع که بشکل دیسک های دایره وی **تیرکوتی** قطع شده اند کشف گردیده است. گفتی است که در رسامی های آبدۀ پنجکنت موجودیت درز پیکان Arrowslit قابل توجه مینماید. زیرا صلیب ها طوری ترسیم گردیده اند که قسمت ها یا شاخه های تحتانی آن کمی طویل ترو قسمت فوقانی (انتہائی) طور مثلث گونه بالا کشیده شده است. گفته میشود که صلیب مذکور با صلیب های موجود در تنگه های اوستروشان (اوستروشانیان) شباهت زیاد دارد.

[Беленицкий 1973: рис. 133; табл. 3 – 10]. [Иваницкий 1994: 66 – 67].

قسمیکه دیده میشود تنها در قالب یک آبدۀ، پرسوناژها و سمبولهای آئین های متعدد و عقاید متعدد، یعنی از پرستش چراغ های آسمانی گرفته، تا پرستش اجداد و نیاکان، پرستش خدای آب، پرستش فرقه سیاوش، پرستش آئین های بودائی، زردشتی و عیسوی استفاده گردیده است. لازم به تاکید دارد که گنجایش این همه و همه فقط در چوکات سیستم مذهبی فلسفی مانوئیزم امکان پذیر بوده است وبس.

در قرون وسطی در آسیای میانه عنعنه تدفین استخوانهای پاک شده تحت نام به اصطلاح استودانها (یعنی صندوقهای گلی سرپوش دار) که یکی از اسلوب های تدفین آئین زردشتی پنداشته میشود معمول بود. اما به نظر ما تذکار اسلوب مذکور منحیث اسلوب آئین "زردشتی" کمی قبل از وقت مینماید. زیرا قبلا عقایدی مبنی بر عدم توانمندی آئین زردشتی از استحکام موقعیت اش در آسیای میانه سخن گفته شده بود.

[Обельченко 1959: 94 – 108]. [Беленицкий 1954: 52, 53].

تحقیقات اخیر نشان میدهد که آئین زردشتی گرچه منحیث آئین آنقدر ها گسترده و جهانشمول پنداشته نشده و در خارج از محدوده ایران پخش نشده باقیمانده بود ، اما با انهم آید ه ها و مناسک مرتبط به آن تاثیر همه جانبه ای بالای سائر ادیان منجمله مانوی وارد نموده بود. چنانچه اکثریت مراسم ، هکذا ارزش های معنوی باشندگان اسبق آسیای میانه که منحیث زردشتیان تلقی میگرددند میتوانند منحیث عاریت گیرندگان عناصری از زردشتی پنداشته شوند در حالیکه خود شان مرتبط به سائر ادیان باشند. از جانبی آیده پنجکنت با آئین زردشتی هیچگونه مناسبتی ندارد.

[Sundermann 2008: 155 – 166].

اگر معماران "آیده آتش" تلاش همه جانبه ای را در جهت جلوگیری از تابش نور روزانه (هنگام روز) به اطاقهای مرکزی، جائیکه هم آتش و هم قربانگاه موقعیت داشت بخرچ داده باشند، درآیده پنجکنت برعکس طرح مذکور تلاش گسترده در جهت تابش هرچه بیشتر نور و احتمال در یافت هرچه ممکنه آن توجه صورت گرفته است. بناء میشود گفت که مراسم فوق الذکر هیچگونه اشتراکاتی با آئین زردشتی داشته نمیتواند، زیرا؛ مراسم زردشتی هرگز با عنعنه نواختن موزیک و رقص و پایکوبی بدرقه نگردیده است. هکذا صحنه های قربانی میوه جات نیز از هیچگونه تشابهتی با آئین زردشتی برخوردار نمیباشد. در حالیکه اینها همه و همه دال بر قرابت ها وتشابهت های نزدیکی با آئین مانویزم و سبیزم دارند .

[Беленицкий 1954: 32, 74, 75, 81, 82].

مقایسه مجسمه ها و رسامی های یادگاری عصر قرون وسطائی آسیای میانه نشاندهنده این مسئله است که پیدایش آنها هیچگونه ربطی با هنر ساسانیان ایران نه، بلکه با هنر- هندی و گندهارا پیوند مستقیم و تنگاتنگ داشته است.

[Беленицкий 1973: 54, 55, 56].

در قبرستانهای تراز(طراز) قدیم(قزاقستان کنونی) طی قرون VII – IX شیوه های تدفین در تیراکوت های آصوری مروج بوده است. در قسمت ظاهری(خارجی) آن فیگور دو شخص بمشاهده میرسد که بیانگر پیکر نگاری های دوران سوری- نسطوری سیمیریچ و ترکستان شرقی است.

[Ремпель 1957: 102 – 110].

امتزاج عناصری از عیسویت و بودیزم در مراسم تشییع در رابطه به آئین زردشتی میتواند فقط و فقط در چوکات سیستم مذهبی- فلسفی مانوی وجودداشته باشد زیرا، فقط در آئین مانوی است که ارزش های معنوی هر سه آئین بزرگ جهانی بشکل یکسان مورد احترام قراردارد.

تحقیقات حاصله از قبرستانهای متعلق به قرون VI – VII در ناحیه طوی تپه (حومه تاشکند فعلی) نشان میدهد که شکل مروج و معمولی آصوری ها یا مرده خانه ها (استودانها) در محدوده تاشکند بشکل بیضوی و تصاویر مربوطه، حاوی سمبول آفتابی بوده است. زیرا، ستایش خورشید یکی از ممیزه های خاص اهالی چاچ قدیم (تاشکند) پنداشته شده ودر مطابقت با ستایش اجداد و نیاکان شان قراردارد. زیرا؛ تدفین مستقیم در آصوریها بدون نوسها با تعلیمات زردشتی متضاد پنداشته میشود.

درعین زمان سمبول خورشید و عناصر مربوط به آن مطابقت کلی با آئین مانوی دارد. در گورستانهای شرقی، قریه مونچاق تپه اوستروشان توته هائی از آصوره های گلی(لائى) بدست آمده که نشاندهنده قرون II-I قبل از میلاد بوده، حاوی نقاب الهی(ماسک خدایان) که بیانگر Vajrapani های هندی میباشد.

[Минаянц 2002: 168 – 172]. [Негматов 1957: 77].

در "تاریخ بخارا" نرشخی گفته شده است که "آتش افروزی در شبهای جشن، بمثابة یکی از عنعنات کهن پنداشته میشد. در آن شبها آتش با چنان النگه ای برافروخته میشد که جرقه های آن به هوا پروار و به بام حکمران می نشست".
[Наршахий: 31]. [Кисляков 1954: 60; Негматов 1957: 76 – 77].

گرچه، تاریخچه افروختن آتش (آتش افروزی) به دوره های برقراری آئین آتش پرستی میرسد، اما در همه حال این عنعنه میتواند بخشی از مراسم مربوط به آئین دیگری باشد که از آن به عاریت گرفته شده است و یا عنعنه مذکور میتواند از جمله عناصر محفوظه (حفظ و نگهداری شده) عقاید ماقبل زردشتی نیز بوده باشد. تحقیقات اخیر نشان میدهد که آئین زردشتی هیچگاه از جمله آئین بزرگ و جهانشمول شمرده نشده و هرگز از مرزهای ایران زمین بخارج گسترش نیافته است. اما با آنهم ایده ها و عنعنات مربوط به آن تاثیر سترگی بر سائر آئینهای بزرگ و بطور اخص بالای آئین مانیزم داشته است.

[Sundermann 2008: 155 – 166].

اکثریت از مراسم و ارزش های معنوی اهالی آسیای میانه قدیم که منحیث زردشتیان شمرده شده اند، میتواند صرف عناصر به عاریت گرفته شده از آن (از زردشتی) بوده، اما در حقیقت امر متعلق به آئین دیگری باشد. مثلا درین رابطه اظهارات الفخری خیلی ها جالب و قابل توجه مینماید. بنابه گفته او، مهتاب پرستان یا (عبدة القمر) همزمان با پرستش بت، در شروع هر ماه آتش بزرگی بالای بامها می افروختند و به مهتاب اتحاف دعا نموده، دربرابر بتها با نواختن موزیک به رقص و پایکوبی می پرداختند.

[ال-فاخری: 42].

تصور میگردد که ستایش مهتاب و بت قبل از همه تاکید بر این دارد که درینجا سخن برسر مراسم مرتبط با مانوئیزم است. معلومات فوق نشاندهنده این مسئله است که مانوئیزم در آسیای میانه بسا تعمیم یافته پنداشته میشد، زیرا؛ اکثر مجسمه هائیکه قبلا متعلق به زردشتی، عیسوی و بودائی شمرده میشدند، در حقیقت امر متعلق به مانوی ها بود. (83)

پاورقیها

82. درباره اعتقادات مذهبی باشندگان قبل از اسلام آسیای میانه.

رجوع شود به:

Камолиддин 2008: 13 – 21.

83. مثلاً آبدۀ بودائی شهر قبا جائیکه صلیب عیسی (مجسمه مسیح مصلوب) کشف گردید از آنجمله شمرده میشود. به همین ترتیب باشندگان شهر کانا (سمرقند) جائیکه، از بت پرستش بعمل آورده و به آسمان قربانی مینمودند. به همین ترتیب اهالی بخارا، جائیکه اهالی در آبدۀ ماه (ماخ) از بت و آتش پرستش بعمل می آوردند نیز ازجمله مانی ها شمرده میشوند.

[Раимкулов, Иванов 2000: 160 – 161]. [Литвинский, Зеймаль 1971: 123].

[Наршахий: 26 – 27].

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک انها میتوان در باره نامهای ذکرشده در ین باب، معلومات آفاقی بدست آورد.
(البته اینهاشامل بحث کتاب هذا نمیباشند.)

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%97%D0%B8%D0%BD%D0%B4%D0%B8%D0%BA%D0%B8>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Zind%C4%ABq>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D9%86%D8%AF%DB%8C%D9%82>

درباره زندیق ها

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A1%D0%B8%D0%BD%D0%BA%D1%80%D0%B5%D1%82%D0%B8%D0%B7%D0%BC>

سینکریٹیزم

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%94%D1%83%D0%B0%D0%BB%D0%B8%D0%B7%D0%BC>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Dualism>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%DA%AF%D8%A7%D9%86%D9%87%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C>

<http://www.bashgah.net/fa/content/show/14748>

<http://rmrahy.blogfa.com/post-188.aspx>

دوگانه گرانی

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B5%D0%BD%D0%B3%D1%80%D0%B8%D0%B0%D0%BD%D1%81%D1%82%D0%B2%D0%BE>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Tengrism>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Tangrichilik>

درباره تنگریزم

[https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%A8%D8%A7%D9%87%D9%86%DA%AF_\(%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%87\)](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D8%A8%D8%A7%D9%87%D9%86%DA%AF_(%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%87))

<https://en.wikipedia.org/wiki/Sirius>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A1%D0%B8%D1%80%D0%B8%D1%83%D1%81>

<https://sv.wikipedia.org/wiki/Sirius>

درباره تشتری یا سیروس

https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9A%D0%BD%D0%B8%D0%B3%D0%B0_%D0%A1%D1%83%D0%B9

https://en.wikipedia.org/wiki/Book_of_Sui

<https://ug.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%DB%88%D9%8A%D9%86%D8%A7%D9%85%DB%95>

در باره کتاب سوی شو.

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%B1%D9%88%D8%B4%D9%86%D9%87>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Osrushana>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A3%D1%81%D1%82%D1%80%D1%83%D1%88%D0%B0%D0%BD%D0%B0>

[https://tg.wikipedia.org/wiki/%D0%9C%D1%83%D0%BB%D0%BA%D0%B8_%D0%98%D1%81%D1%82%D1%80%D0%B0%D0%B2%D1%88%D0%B0%D0%BD_\(%D0%A3%D1%81%D1%80%D1%83%D1%88%D0%B0%D0%BD%D0%B0\)](https://tg.wikipedia.org/wiki/%D0%9C%D1%83%D0%BB%D0%BA%D0%B8_%D0%98%D1%81%D1%82%D1%80%D0%B0%D0%B2%D1%88%D0%B0%D0%BD_(%D0%A3%D1%81%D1%80%D1%83%D1%88%D0%B0%D0%BD%D0%B0))

در باره اوسروشانه

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%82%D9%86%D8%B9>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Al-Muqanna>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9C%D1%83%D0%BA%D0%B0%D0%BD%D0%BD%D0%B0>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Muqanna>

https://tg.wikipedia.org/wiki/%D2%B2%D0%BE%D1%88%D0%B8%D0%BC_%D0%B8%D0%B1%D0%BD%D0%B8_%D2%B2%D0%B0%D0%BA%D0%B8%D0%BC

در باره مقنع (المقنع ها).

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%86%D8%BA%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%86>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Chaghaniyan>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Chag%CA%BBoniyon>

<https://tg.wikipedia.org/wiki/%D0%A7%D0%B0%D2%93%D0%BE%D0%BD%D0%B8%D1%91%D0%BD>

درباره چغانیان

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%95%D1%80%D0%B5%D1%81%D1%8C>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Heresy>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%D8%B1%D8%B7%D9%82%D9%87>

درباره هرطقه ها

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%90%D0%BD%D1%82%D1%80%D0%BE%D0%BF%D0%BE%D0%BC%D0%BE%D1%80%D1%84%D0%B8%D0%B7%D0%BC>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Anthropomorphism>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Antropomorfizm>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A7%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C>

درباره انترو پومرفیزم یا انسان انگاری

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85%E2%80%8C%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Ethnography>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%AD%D1%82%D0%BD%D0%BE%D0%B3%D1%80%D0%B0%D1%84%D0%B8%D1%8F>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Etnografiya>

در باره اتنوگرافیک یا مردم نگاری

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B7%D9%84%D8%B3%D9%85>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B0%D0%BB%D0%B8%D1%81%D0%BC%D0%B0%D0%BD>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Talisman>

در باره طلسمان یا طلسم

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A1%D0%BA%D0%BB%D0%B5%D0%BF>

[https://en.wikipedia.org/wiki/Burial_vault_\(tomb\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Burial_vault_(tomb))

در باره سکلیپ ها

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Ossuariy>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9E%D1%81%D1%81%D1%83%D0%B0%D1%80%D0%B8%D0%B9>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%88%D8%AF%D8%A7%D9%86>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Ossuary>

در باره اوسوری یا استودان

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Novus>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9D%D0%B0%D1%83%D1%81%D1%8B>

در باره ناوس

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B5%D1%80%D1%80%D0%B0%D0%BA%D0%BE%D1%82%D0%B0>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Terracotta>

<https://sv.wikipedia.org/wiki/Terrakotta>

در باره تیراکوت

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%A7>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Mandala>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%9C%D0%B0%D0%BD%D0%B4%D0%B0%D0%BB%D0%B0>

در باره ماندالا.

<https://kv.wikipedia.org/wiki/%D0%97%D0%B0%D1%80%D0%B0%D0%B2%D0%B0>

https://en.wikipedia.org/wiki/Birch_sap

درباره زراوه

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%94%D0%B5%D0%B2%D0%B0%D1%88%D1%82%D0%B8%D1%87>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Divashtich>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Devashtich>

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D9%88%D8%A7%D8%B4%D8%AA%DB%8C%DA%86>

در باره دیواشتیچ

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A2%D0%B5%D1%80%D1%80%D0%B0%D0%BA%D0%BE%D1%82%D0%B0>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Terracotta>

<https://sv.wikipedia.org/wiki/Terrakotta>

درباره تیره کوت

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%B1%D8%B2%D9%BE%DB%8C%DA%A9%D8%A7%D9%86>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Arrowslit>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%91%D0%BE%D0%B9%D0%BD%D0%B8%D1%86%D0%B0>

در باره بونیس یا درز پیکان

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D9%88%D8%B4>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Siy%C3%A2vash>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%A1%D0%B8%D1%8F%D0%B2%D1%83%D1%88>

<https://uz.wikipedia.org/wiki/Siyovush>

<https://sv.wikipedia.org/wiki/Siavash>

در باره فرقه سیاوش